

فلسفه امامت

(تحلیل فلسفی شخصیت و اوصاف امامان)

کتاب حجت، برخی از مسائل مربوط به نبوت و امامت را نه بر پایه اصول حکمت متعالیه، بلکه براساس مبانی مشائی تبیین نموده است. از جمله وحی و الهام را براساس کمال قوه نظری و برتری قوه حدس که مبانی فلسفه مشائی اسلامی است، تفسیر نموده است. و نیز مسأله استمرار وجود امام را، بدون توجه به موضوع قوس نزولی و صعودی وجود، بر پایه قاعده امکان اشراف که از قواعد حکمت اشراق است، تفسیر و تبیین نموده، در صورتی که تبیین آن براساس اصول و قواعد حکمت متعالیه، بسیار قوی تر و روشن تر می باشد.»

در مقدمه کتاب نویسنده در صدد است برای دو سؤال پیرامون چیستی امامت و اوصاف امام (ع) پاسخی ارائه دهد.

در مورد چیستی امامت به روایتی از اصول کافی به نقل از امام رضا (ع) استناد می کند که مضمون آن چنین است «جداً شأن امامت برتر و بالاتر از آن است که با عقل و اندیشه عادی بتوان شناخت یا با رأی و نظر مردم، آن را بدست آورد یا با تعیین و انتخاب مردم، آن را تعیین کرد» و در ادامه بیان می کند که در نظام دینی، در هیچ شرایطی انسان ها از رهبری و هدایت آسمانی بی نیاز نیستند، این رهبری تا زمانی که نبوت ختم نشده باشد به عهده پیامبران و بعد از آن از دیدگاه مکتب تشیع رهبری و هدایت معصوم، همچنان انسان ها را در پناه خود می گیرد، این بار نه با حضور پیامبر بلکه با حضور امام معصوم.»

و اما در باب اوصاف امام (ع) مؤلف این گونه بیان می کند که «امام، همچون عشق، قابل توصیف نیست ما که نمی توانیم بشناسیم، چگونه می توانیم توصیف کنیم؟ تنها راه درست در پیشاپیش ما همان است که اوصاف امام را هم از امام بشتویم» که در این کتاب به نه مورد اشاره شده و برای هر مورد یک روایت نیز بیان کرده اند.

پس از مقدمه، کتاب شامل دو فصل می باشد که در فصل اول: «مبانی فلسفی اوصاف امام» و در فصل دوم: «تفسیر فلسفی اوصاف امامان» مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل اول مؤلف توجه خود را عمدتاً به تفسیر مبانی فلسفی اوصاف امام (ع) و تحلیل و تبیین مبانی واقعیت و عینیت صفات امامان معطوف ساخته است و درصدد است تا براساس اصول و قواعد فلسفی، بخصوص حکمت متعالیه صدرالمآلهین به دو پرسش

امام، مشعل فروزان هدایت است و امامت، کشتی نجات از طوفان حوادث حیات مادی و معنوی. از آنجایی که این موضوع از اصول مهم مکتب تشیع می باشد و جایگاه امام و امامت در این مکتب بر کسی پوشیده نیست، علما و محققان بسیاری در پی شناخت و دریافت های تازه ای از این اصل اصیل اسلامی برآمده و گهگاه کتابی را به شیفتگان ولایت عرضه کرده و می کنند.

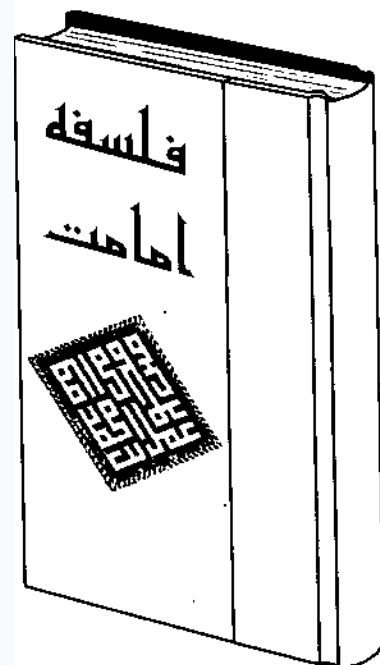
کتاب فلسفه امامت که شامل یک پیشگفتار و یک مقدمه و دو فصل می باشد اثر جدیدیست که توسط دکتر سیدیحیی یشربی در چهارچوبی فلسفی تبیین گردیده است.

محقق ارجمند در این کتاب به عمیق ترین اوصاف امامت با استفاده از روایات معتبر که عمدتاً از کتاب اصول کافی اثر گراندقدر محمدبن یعقوب کلینی (فوت ۳۲۸ هـ) برگرفته شده، به واسطه ارزش و اهمیت خاص این کتاب شریف که در زمان غیبت صغری تألیف گردیده، و همچنین با مدد گرفتن از آیات قرآنی، می پردازد. اما آنچه این نوشتار را از دیگر نوشته ها متمایز می کند، این است که کوشیده شده از منظر فلسفی و با نگاهی خردورزانه به اصل امامت در اسلام پرداخته شود، و وجود امام و اوصاف خاص او را براساس قوانین هستی و سنت های آفرینش تبیین و اثبات نماید. این رویه و منظر، برآمده از حکمت متعالیه و هماهنگ با روح فلسفه صدرالمآلهین است. نویسنده در پیش گفتار می گوید:

«اینک، برای نمونه یکی از مسائل مهم اعتقادی شیعه را بر مینا و بنیاد حکمت متعالیه مورد بررسی قرار می دهیم. با بهره گیری از مبانی حکمت متعالیه، به تبیین شأن و جایگاه امامت پرداخته، مسائل مهمی را در این محور توضیح می دهیم که از آن جمله است: عینیت مقام امامت، مبنای تک تک اوصاف امام، ارتباط و پیوند این اوصاف با امام، ارتباط و پیوند این اوصاف با یکدیگر، و دهها نکته باریک تر از موی»

اشراف نویسنده به فلسفه و حکمت متعالیه به او امکان می دهد که هماهنگی لازم را با روایات و آیات قرآنی بر پایه اصول فلسفی و حکمت متعالیه برقرار نموده و بتواند به روشنی سخن بگوید چنانچه در ادامه پیش گفتار می نویسد. «نکته جالب توجه اینکه، صدرالمآلهین در شرحی که به اصول کافی نوشته در

- فلسفه امامت (تحلیل فلسفی شخصیت و اوصاف امامان)
- دکتر سیدیحیی یشربی
- انتشارات وثوق
- چاپ اول: تابستان ۱۳۷۸
- بهاء: ۴۰۰۰ ریال



اصلی در این خصوص پاسخ دهد: یکی اینکه بر چه مبنا و بر اساس کدام قاعده و قانون فلسفی، شخصی که امام است حتماً دارای اوصافی است که در مقدمه کتاب پر شمردیم؟ و دیگر اینکه بر پایه کدام اصل و قانون فلسفی، این اوصاف به یکدیگر پیوند می‌یابند، چگونه‌ای که اگر کسی یکی از آنها را داشت، حتماً اوصاف دیگر را هم خواهد داشت؟ که بررسی‌های مؤلف در این فصل پیرامون چهار مبنای عمده می‌باشد که عبارت است از: ۱- درجات هستی ۲- مسیر صعود ۳- چگونگی صعود ۴- همه اوصاف و آثار برخاسته از وجوداند.

هریک از مبناهای فوق به شرح زیر می‌باشند: مبنای اول: درجات هستی؛ جهان هستی دارای مراتب و درجاتی است، که این درجات و مراتب از دو جهت مطرحند: الف - قوس نزول ب - قوس صعود. مبنای دوم: مسیر صعود؛ با قبول امکان صعود و پس از بحث در مبنا و عامل سیر صعودی، اینک باید دید که این صعود در کدامین مسیر و بستر تحقق‌پذیر است در این قسمت از کتاب به تفسیر آن پرداخته شده است.

مبنای سوم: چگونگی صعود، این صعود براساس سیر حقیقی، از نخستین درجات جهان ماده آغاز شده، از سیر انسان، به جهان مجرد راه یافته و با طی مدارج تجرد، به مقام اطلاق نزدیک می‌شود و نویسنده در این قسمت از کتاب برای روشن شدن مطلب به چند نکته اشاره کرده که عبارت است از ۱- مسیر صعود حوزه و عالم وجود انسان است ۲- شکست متوالی حدود و قیود، در جهت قوس صعودی، به دو قسم انجام‌پذیر است: الف- اعطایی ناشی از محبوبیت و مجذوبیت؛ ب - کسبی ناشی از محبت و سلوک.

مبنای چهارم: همه اوصاف و آثار برخاسته از وجوداند؛ نویسنده در این قسمت با بیان این که با قبول اصل «اصالت وجود» همه اوصاف و آثار، ناشی از وجود بوده و ذاتی آن خواهند بود و نتایجی را هم نام برده‌اند.

در فصل دوم که بخش اعظم کتاب به آن اختصاص یافته و با عنوان تبیین و تفسیر فلسفی اوصاف امامان (ع) نام گرفته، مؤلف درصدد است با اقتباس از تعالیم عمیق مکتب امامت برخی از اوصاف امامان را مطرح کند و به همین منظور پیرامون هشت مبحث عمده پرداخته شده است.

و هر یک از مباحث خود شامل مبنایی به شرح ذیل می‌باشد:

مبحث اول: عینیت مقام امامت، و عینیت اوصاف

امام: ۱- نصب امام نیازمند هدایت آسمانی است ۲- مقام امامت اعطایی است نه کسبی ۳- مقام امامت در گرو سن و سال نیست ۴- این مقام تحقق می‌خواهد نه تقلید.

مبحث دوم: امام، پیوسته از الهام و امداد غیبی بهره‌مند است: ۱- امامت، باطن نبوت است ۲- امام، وارث همه پیامبران پیشین است ۳- علم و معرفت امامان، موهبتی ولدنی است.

مبحث سوم: امام ناظر و حاکم بر همه حوادث جهان است: ۱- حاکمیت تکوینی امام بر کائنات ۲- اشراف و نظارت بر جریان حوادث و رفتار انسان‌ها.

مبحث چهارم: امام دارای صفت عصمت است: ۱- امامان همگی معصوم‌اند ۲- شایستگی بیعت در انحصار معصوم است ۳- پیروی امام معصوم عقلاً و شرعاً واجب است ۴- تلاش برای شناختن و یافتن امام معصوم واجب و لازم است ۵- کوتاهی در شناخت امام کارهای انسان را بی‌مقدار می‌کند ۶- پایداری در ولایت واجب و لازم است.

مبحث پنجم: امام می‌تواند مصدر اعجاز و کرامت باشد: ۱- امام خلیفه تکوینی و تشریحی خداوند است؛ ۲- اعجاز و کرامات امام کاملاً مطابق عقل و منطق است.

مبحث ششم: امام یگانه روزگار است: ۱- در هر عصری بیش از یک امام وجود نخواهد داشت ۲- منصب امامت در لحظه مرگ امام پیشین به امام بعدی انتقال می‌یابد ۳- امام پیشین، امام بعد از خود را به مردم معرفی می‌کند ۴- امام بعدی، در هر شرایطی از درگذشت امام قبلی آگاه می‌شود.

مبحث هفتم: جهان هستی هرگز بی‌امام نخواهد بود: ۱- امام واسطه فیض تکوین است ۲- امام مخاطب و حامل قرآن و الهام است.

مبحث هشتم: شایستگی لازم برای شناخت و پیروی امام: در این مبحث مؤلف عمدتاً در صدد ارائه تفسیر روشنی از شایستگی‌های لازم برای شناخت و پیروی امام می‌باشد و در همین خصوص با استناد به روایت ۱۰۴۴ از اصول کافی چنین بیان می‌کند «جنداً موضوع آل محمد (ص) موضوعی سخت دشوار است» و در جای دیگر می‌نویسد «ایمان به شأن و جایگاه آل محمد (ص)، کمال معرفتی می‌خواهد».

مطالعه این کتاب را به طلاب، دانشجویان، اساتید و محققان از چمنند حوزه و دانشگاه توصیه می‌گردد.

